



نگاه

زنجان، اردبیل و گیلان، بیشترین مشارکت اقتصادی را دارند
رنکبینگ اقتصادی استان ها

استان های زنجان، اردبیل، گیلان، خراسان شمالی و مازندران، بیشترین نرخ مشارکت اقتصادی را در بین ۳۱ استان کشور دارند و مازندران، در مقابل، استان های ایلام، کهگلویه و بویراحمد، سیستان و بلوچستان، مرکزی و فارس، پایین ترین نرخ مشارکت اقتصادی را به خود اختصاص داده‌اند.
براساس آخرین داده‌های مرکز آمار ایران، میانگین نرخ مشارکت اقتصادی جمعیت ۱۵ ساله و بیشتر در سال ۱۴۰۲، حدود ۴۱٫۳ درصد بوده و بیشترین نرخ مشارکت اقتصادی در این گروه سنی به استان‌های زنجان (۵۰٫۷ درصد)، اردبیل (۴۷٫۵ درصد)، گیلان (۴۵ درصد) خراسان شمالی و مازندران (۴۴٫۹) درصد اختصاص داشته است.
همچنین استان های ایلام (۳۲٫۳)، کهگلویه و بویراحمد (۳۲٫۵)، سیستان و بلوچستان (۳۵٫۲)، مرکزی (۳۶٫۳) و فارس (۳۷ درصد) نیز کمترین نرخ مشارکت اقتصادی جمعیت ۱۵ ساله و بیشتر را به خود اختصاص داده‌اند.

مرکز آمار ایران در گزارش خود به آمار مشارکت اقتصادی جمعیت ۱۵ ساله و بیشتر در نقاط شهری کشور اشاره کرده است.نتایج این گزارش نشان می دهد که در سال گذشته، نرخ مشارکت اقتصادی این گروه سنی از جمعیت استان‌ها در کل کشور، ۴۰٫۸ درصد بوده است که نسبت به سال ۱۴۰۱، حدود ۰٫۵ درصد افزایش یافته است.
بیشترین نرخ مشارکت اقتصادی جمعیت ۱۵ ساله و بیشتر در نقاط شهری کشور، متعلق به استان های زنجان با ۴۸٫۷ درصد، اردبیل ۴۵٫۴ درصد، مازندران با ۴۴٫۷ درصد، یزد ۴۴٫۶ درصد و گیلان با ۴۴٫۲ درصد است.
در بخش دیگری از این گزارش همچنین به وضعیت نرخ مشارکت اقتصادی مردان ۱۵ ساله و بیشتر پرداخته شده است. طبق اطلاعات مرکز آمار ایران، نرخ مشارکت این گروه جمعیتی در کل کشور، ۶۸٫۴ درصد برآورد شده که استان های زنجان، اردبیل، کردستان، آذربایجان غربی و مازندران (به ترتیب با رقم ۷۵٫۹، ۷۴٫۴، ۷۲٫۹، ۷۲٫۹، ۷۲٫۸ درصد) بیشترین نرخ مشارکت اقتصادی مردان را به خود اختصاص داده‌اند.
در سمت مقابل نیز استان‌های زنجان، اردبیل، خراسان شمالی، گیلان و یزد و سمنان، بیشترین نرخ مشارکت اقتصادی زنان ۱۵ ساله و بیشتر را به خود اختصاص داده‌اند.

اما کدام استان‌ها بیشترین نرخ بیکاری را دارند؟ برآوردهای آماری مرکز آمار نشان می دهد که نرخ بیکاری جمعیت ۱۵ ساله و بیشتر در کل کشور طی سال گذشته، ۸٫۱ درصد بوده و استان‌های سیستان و بلوچستان (۱۲٫۴ درصد) کرمانشاه (۱۲٫۳ درصد)، لرستان (۱۱٫۹ درصد)، هرمزگان (درصد ۱۱٫۴) و خوزستان (۱۱ درصد) بیشترین درصد را به خود اختصاص داده‌اند. در نقطه مقابل، استان‌های خراسان جنوبی، خراسان رضوی، مازندران و قزوین، کمترین نرخ بیکاری جمعیت ۱۵ ساله و بیشتر را داشته‌اند.
همچنین در مورد آخرین وضعیت نرخ بیکاری مردان ۱۵ ساله و بیشتر، استان سیستان و بلوچستان با ۱۱٫۳ درصد بیشترین درصد را به خود اختصاص داده و پس از آن بیشترین درصد نرخ بیکاری جمعیت مذکور در استان های کرمانشاه، هرمزگان، کردستان و لرستان ثبت شده است. کمترین نرخ بیکاری گروه جمعیتی مذکور نیز متعلق به استان‌ها ی یزد (۳٫۲ درصد)، ایلام (۴٫۱ درصد)، مازندران (درصد ۴٫۲)، خراسان جنوبی (درصد ۴٫۴) و سمنان (۴٫۷ درصد) بوده است.
همچنین در سوی مقابل، نرخ بیکاری زنان ۱۵ ساله و بیشتر در کل کشور ۱۵ درصد بوده و استان کرمان با ۲۷٫۷ درصد بیشترین درصد و میزان را به خود اختصاص داده است. پس از کرمان نیز بیشترین نرخ بیکاری زنان ۱۵ ساله و بیشتر به استان های خوزستان، لرستان، یزد و کهگلویه و بویراحمد تعلق دارد. کمترین نرخ بیکاری گروه جمعیتی مذکور (زنان ۱۵ ساله و بیشتر) متعلق به استان های آذربایجان غربی (۶٫۵ درصد)، همدان (۹٫۲ درصد)، قزوین (۱۰٫۷ درصد)، زنجان (۱۱٫۱ درصد) و بوشهر (۱۱٫۲ درصد) بوده است.

براساس این گزارش، آخرین وضعیت نرخ بیکاری جمعیت جوان (۱۵ تا ۲۴ ساله) نشان می دهد که نرخ بیکاری این گروه جمعیتی در کل کشور، ۲۱٫۲ درصد بوده و استان هرمزگان (۳۵٫۴ درصد)، کرمان (۲۲٫۵ درصد)، لرستان (۳۲٫۲)، خوزستان (۳۱٫۵ درصد) و سیستان و بلوچستان (۳۰٫۶ درصد) بیشترین جمعیت جوان بیکار را به خود اختصاص داده‌اند.
همچنین نرخ بیکاری جمعیت فعال (۱۸ تا ۳۵ ساله) در کل کشور، ۱۵٫۲ درصد بوده است که استان لرستان بالاترین درصد نرخ بیکاری را (۲۳ درصد) به خود اختصاص داده و استان های کرمانشاه (۲۱٫۲ درصد)، خوزستان (۲۱٫۲ درصد)، کرمان (۲۱٫۲) و کردستان (۲۰٫۹ درصد) در رده های بعدی قرار گرفته‌اند.
همچنین استان‌های آذربایجان غربی (۱۰٫۲ درصد)، قزوین (۱۱٫۲ درصد)، خراسان رضوی (۱۱٫۲ درصد)، یزد (۱۱٫۵ درصد) و خراسان جنوبی (۱۱٫۸ درصد)، کمترین نرخ بیکاری جمعیت فعال (۱۸ تا ۳۵ ساله) کشور را به خود اختصاص داده‌اند.

در پایان سال گذشته، استان‌های زنجان، اردبیل، خراسان شمالی، گیلان، یزد و سمنان، بیشترین نرخ مشارکت اقتصادی زنان را به خود اختصاص دادند. در همین حال، آخرین داده های آماری مرکز آمار در تابستان امسال نشان می دهد که بالاترین نرخ مشارکت اقتصادی زنان در استان زنجان و پایین ترین آن در استان کهگلویه و بویراحمد بوده است.
از طرف دیگر در استان‌های اردبیل، خراسان شمالی و یزد نیز نرخ مشارکت اقتصادی زنان در تابستان امسال نسبتا زیاد و بالای ۲۰ درصد بوده است.
نرخ مشارکت اقتصادی زنان این استان‌ها به ترتیب ۲۲٫۱ درصد، ۲۰٫۲ درصد و ۲۰٫۶ درصد محاسبه شده است.
بدین ترتیب، پایین‌ترین نرخ مشارکت اقتصادی زنان مربوط به استان کهگلویه و بویراحمد است و مشارکت اقتصادی زنان در این استان به ۱۰ درصد نمی‌رسد.
طبق داده‌های مرکز آمار، نرخ مشارکت اقتصادی زنان کشور در تابستان امسال ۱۴٫۶ درصد برآورد شده است.
بالاترین نرخ مشارکت اقتصادی زنان در میان استان‌ها به زنجان با رقم ۲۵٫۶ درصد تعلق داشته است.
پایین ترین نرخ مشارکت اقتصادی زنان نیز در استان کهگلویه و بویراحمد با ۸٫۳ درصد ثبت شده است.
به طور کلی، نرخ مشارکت اقتصادی، نسبت جمعیت فعال در بازار کار (چه شاغل و چه بیکار) را به کل جمعیت در سن کار نشان می‌دهد.
بازار کار از دو گروه تشکیل می‌شود، شاغل و بیکار. به مجموع این دو گروه جمعیت فعال در بازار کار گفته می‌شود.
سهم این جمعیت از مجموع افرادی که در سن کار یعنی ۱۵ سال به بالا هستند میزان مشارکت اقتصادی را نشان می‌دهد که رابطه تنگاتنگی با میزان توسعه‌یافتگی اقتصادی دارد.
عوامل مختلفی بر نرخ مشارکت اقتصادی

در بازار کار اثرگذارند؛ از جمله شرایط اقتصادی، تحصیلات، ویژگی‌های جمعیتی مانند سن و جنسیت، قراردادهای کاری و قوانین دولتی.
نرخ مشارکت اقتصادی در تابستان امسال برابر با ۴۱٫۷ درصد بوده است، یعنی در این فصل ۴۱٫۷ درصد از افراد در سن کار در سطح کشور شاغل یا به دنبال شغل بودند.
در رابطه با مشارکت اقتصادی زنان نیز نرخ مشارکت اقتصادی زنان در سه استان کشور زیر ۱۰ درصد است، یعنی در این استان های کهگلویه و بویراحمد، فارس و مرکزی از هر ۱۰ زن، نزدیک به یک نفر در بازار کار مشارکت دارد.
بنابراین وضعیت زنان در بازار کار این سه استان بسیار نامناسب است.
همانطور که گفته شد بالاترین نرخ مشارکت اقتصادی زنان در تابستان امسال در استان زنجان و پایین‌ترین نرخ مشارکت اقتصادی و بویراحمد بوده است.
از طرف دیگر در استان‌های اردبیل، خراسان شمالی و یزد نیز نرخ مشارکت اقتصادی زنان در تابستان امسال نسبتا زیاد و بالای ۲۰ درصد بوده است.
نرخ مشارکت زنان در این استان‌ها به ترتیب ۲۲٫۱، ۲۰٫۲ درصد و ۲۰٫۶ درصد محاسبه شده است.
در تابستان سال جاری پس از استان کهگلویه و بویراحمد، نرخ مشارکت اقتصادی زنان در استان‌های فارس و مرکزی، پایین‌ترین مقدار را داشته است.
براساس آمارها، نرخ مشارکت اقتصادی زنان در استان فارس ۹٫۵ درصد و در استان مرکزی ۹٫۱ درصد برآورد شده است.

آیا اشتغال برای خروج از فقر در اقتصاد ایران کافی است؟

زور آزمایی تورم و دستمزد



پژوهش‌ها در گزارشی به «بررسی اشتغال و حداقل دستمزد از منظر فقر» پرداخته است. در این گزارش، شاخص های اشتغال و دستمزد با شاغولی به نام خط فقر بررسی شده و خلاصه‌ای از وضعیت رفاهی و اثرگذاری رفاهی حداقل دستمزد ارائه شده است.

پدیده شاغلان فقیر در اقتصاد ایران

یکی از مهمترین متغیرهای تعیین کننده رفاه خانوار، درآمد خانوار است. درآمد خانوار را می توان به درآمد ناشی از کار (شغل) و درآمد غیرکاری (حاصل از دارایی) تقسیم کرد که در نهایت درآمد قابل تصرف را می سازد. سهم قابل توجهی از این درآمد قابل تصرف به خصوص برای دهک های متوسط درآمدی را درآمد ناشی از شغل تشکیل می دهد. درآمد ناشی از شغل یا همان دستمزد، یک متغیر سیاسی است که مطابق با ماده ۴۱ قانون کار مصوب سال ۱۳۶۹، هرساله شورای عالی کار موظف به تعیین دستمزد با توجه به نرخ تورم اعلامی از طرف بانک مرکزی، به منظور تأمین هزینه‌های زندگی یک خانوار با تعداد متوسط است که مبنای عمل بسیاری جبران خدمات در بخش خصوصی قرار می گیرد. لذا اجرای سیاست حداقل دستمزد از طریق حفظ قدرت خرید نیروی کار در برابر رشد قیمت‌ها، گامی مهم در جهت حمایت از کارگران است. از سوی دیگر، میزان رفاه خانوار در هر سال، وابسته به کم و کیف اثرگذاری دستمزد‌ها و تورم روی درآمد قابل تصرف و هزینه خانوار است. در حقیقت، برآیند اثر میزان رشد هزینه های خانوار و میزان افزایش در درآمد آنها است که افزایش و یا کاهش رفاه خانوار را موجب می شود.

یکی از کارکردهای اصلی محاسبه خط فقر، تأثیر این شاخص روی سیاست های رفاهی است. از همین رو، حساسیت در تعیین خط فقر بسیار زیاد است. محاسبه خط فقر، علاوه بر اینکه مبنایی بر اندازه گیری میزان فقر موجود و تغییرات آن در جامعه است، می تواند معیاری باشد تا برخی از شاخص های سیاسی مانند حداقل دستمزد با آن سنجیده شود، به طوری که در برخی از کشورها خط فقر هم به عنوان یکی از معیارهای تعیین حداقل دستمزد در نظر گرفته می شود. مقایسه حداقل دستمزد با خط فقر که در دو از مفاهیم مهم اقتصادی بوده و به طور مستقیم با وضعیت معیشتی افراد و خانوارها مرتبط هستند، تحلیل هایی را از رفاه خانوارهای نزدیک به خط فقر ارائه می دهد، خانوارهایی که به لحاظ رفاهی شکننده بوده و وابستگی شدیدی به درآمد ناشی از شغل دارند.

تورم و نرخ رشد حداقل دستمزد

تعیین حداقل دستمزد همواره با مناقشات کاری و کارفرمایی همراه بوده است. سازوکار تعیین حداقل دستمزد، بیش از اینکه بر پایه بهره‌وری باشد، مبتنی بر هزینه‌های زندگی است و یک سیاست حمایتی برای کارگران محسوب می شود که در بسیاری از کشورها اعمال شده و تلاش دارد سطحی از رفاه را برای کارگران تأمین کند. درخصوص رابطه بین تورم و حداقل دستمزد، انتظار می رود که به منظور حفظ قدرت خرید کارگران و محافظت آنها از اثرات منفی این پدیده، قدرت خرید کارگران متناسب با نرخ تورم افزایش یابد. این گزاره، بازگشت به منطق اصلی حداقل دستمزد است. شرایط نامطلوب اقتصادی در نیمه دوم دهه ۱۳۹۰ باعث شد که رشد اقتصادی به شدت محدود شده و در نتیجه توانایی اقتصاد در بهبود رفاه کاهش یابد. در این میان، حداقل دستمزد نسبت به تورم تا حدی دارای عقب ماندگی است. براساس آمارها، از سال ۱۳۹۷ تقریباً نرخ رشد حداقل دستمزد در سطح پایین‌تر از تورم بوده و این شاهدهی برای عقب ماندگی دستمزد در ایران است؛ به استثنای سال

بازار مسکن در هفته‌های پایانی سال هم تحرکی ندارد

ادامه رکود در صنعت ساخت و ساز

جدید با احتیاط عمل می کند. البته طبق آمار بهار امسال تعداد ۲۶ هزار و ۶۶۸ پروانه احداث ساختمان توسط شهرداری‌های کشور صادر شده که نسبت به فصل مشابه سال گذشته ۲۴ درصد افزایش داشته است. در شهر تهران نیز در بهار امسال تعداد ۱۲ هزار و ۳۱۱ واحد مسکونی در پروانه‌های صادر شده برای احداث ساختمان از سوی شهرداری تهران پیش‌بینی شده که نسبت به فصل گذشته ۲۰٫۷ درصد کاهش و نسبت به فصل مشابه سال گذشته ۲۸٫۴ درصد افزایش داشته است.

حال آخرین آمارهای مرکز آمار از رشد ۲۰ درصدی صدور پروانه ساختمانی در شهر تهران در تابستان امسال حکایت دارد. در تابستان امسال ۱۴ هزار و ۷۹۰ واحد مسکونی در پروانه‌های صادرشده برای احداث ساختمان از سوی شهرداری تهران، پیش‌بینی شده است که نسبت به فصل گذشته ۲۰٫۱ درصد و نسبت به فصل مشابه سال گذشته ۷٫۷ درصد افزایش داشته است. متوسط تعداد واحد مسکونی برای هر یک از این پروانه‌های احداث ساختمان ۷٫۴ واحد بوده است. همچنین تعداد ۱۹۸۶ پروانه احداث ساختمان توسط شهرداری تهران در تابستان ۱۴۰۳ صادر شده است که نسبت به فصل گذشته، رشد ۲۱٫۰ درصدی و نسبت به فصل مشابه سال گذشته، رشد ۴٫۴ درصدی را نشان می دهد. مجموع مساحت زیربنا در پروانه‌های احداث

۱۴۰۱ که حداقل دستمزد با پیشی گرفتن از تورم، رشدی نزدیک به ۵۷ درصدی را داشته، در سایر سال ها با توجه به جهش فقر و شرایط نامطلوب اقتصادی، روندی معکوس تجربه شده است. با این حال، این عدد در سال ۱۴۰۳ تا حدی به هم نزدیک شده اما همچنان برای جمع بندی نرخ تورم در سال جاری باید تورم کل سال را ملاک عمل قرار داد.

همانطور که عنوان شد، اثرگذاری حداقل دستمزد بر روی فقرا و غیرفقرها متفاوت است. ویژگی های فقرا به گونه‌ای است که با توانایی اشتغال ندارند و یا اینکه از دستیابی به شغل های رسمی محرومند، در نتیجه انتظار می رود سیاستگذاری حداقل دستمزد، تأثیر چندانی روی وضعیت فقرا نداشته باشد. به همین دلیل، سهم درآمد ناشی از شغل از کل درآمد برای فقرا پایین است و درآمدهایی مانند پاره‌ها و کمک است که فاصله میانگین درآمد غیرفقرها با خط فقر را نشان می دهد. طبقه موصوف به متوسط بیشتر است و رفاه زندگی این طبقه، وابستگی بیشتری به نرخ رشد حداقل دستمزد دارد.

حداقل دستمزد برای فقرا و غیرفقرها

در این گزارش برای نشان دادن نحوه اثرگذاری حداقل دستمزد روی فقرا و غیرفقرها از سه شاخص استفاده شده است. ابتدا شاخص شکاف فقر که بیانگر فاصله میانگین درآمد فقرا با خط فقر است (افزایش این شاخص به معنای افزایش فاصله درآمدی فقرا با خط فقر و کاهش شانس خروج از فقر است) ارائه شده است. شاخص دوم، فاصله غیرفقرها از خط فقر است که فاصله میانگین درآمد غیرفقرها با خط فقر را نشان می دهد. کاهش این فاصله به معنای وخیم شدن رفاه خانوارهای غیرفقر و افزایش احتمال فقیر شدن آنها در آینده است. در این شاخص هدف خانوار طبقه متوسط درآمدی بوده و در نتیجه دهک های هشتم، نهم و دهم غیرفقرها به خط فقر کمتر شده و غیرفقرها به خط فقر نزدیک تر می شوند اما ضریب همبستگی بین تفاوت تورم با نرخ رشد حداقل دستمزد و شکاف فقر یک رابطه مثبت است، یعنی با افزایش فاصله تورم نسبت به حداقل دستمزد به نفع تورم، شکاف فقر نیز زیاد شده و فاصله فقرا به خط فقر بیشتر می شود. فارغ از نحوه اثرگذاری این شاخص، ضریب همبستگی میان «تفاوت تورم با نرخ رشد حداقل دستمزد» و «فاصله غیرفقرها با خط فقر» خیلی بیشتر از ضریب همبستگی بین «تفاوت تورم با نرخ رشد حداقل دستمزد» و شکاف فقر است. تفسیر دیگر این ادعا، این است که حداقل دستمزد بیش از آنکه روی فقرا اثر داشته باشد، بر روی غیرفقرها به خط فقر کمتر شده و غیرفقرها به خط فقر نزدیک تر می شوند دستمزد منجر به خروج از فقر برای فقرا نخواهد شد، اما با احتمال بیشتری می تواند از ورود خانوارها به ورطه فقر جلوگیری کند؛ چراکه رفاه خانوارهای نزدیک خط فقر تا اندازه قابل توجهی تحت تأثیر حداقل دستمزد است.

سرمایه گذاری در دنیای کسب و کار: چطور بهترین برندها را پیدا کنیم؟

نویسنده: علی آل علی

سرمایه گذاری شبیه ورود به یک پارک تفریحی بی نهایت هیجان انگیز است؛ جایی که می توانید رویای موفقیت های بزرگ را داشته باشید. برندها مثل چرخ و فلک های پرزرق و برق در این پارک به نمایش گذاشته می شوند و هر کدام وعده آینده ای جذاب را به شما می دهند، اما همین که قدم به دنیای سرمایه گذاری می گذارید، متوجه می شوید که همه این وعده ها قرار نیست بدل به واقعیت شود.

گاهی اوقات بازار پر از برندهایی است که چشم شما را به بازی می گیرند اما در نهایت چیزی جز شکست نصیب تان نمی شود. سرمایه گذاری بدون تحقیق و تحلیل شبیه به شیر یا خط انداختن است. شاید خوش شانس باشید و به سود برسید، اما احتمالش بیشتر است که ضرر کنید. برای اینکه این مسیر تبدیل به قمار نشود، باید مثل یک کاوشگر حرفه ای عمل کنید. شناخت بهترین برندها به معنای داشتن یک استراتژی هوشمندانه و ابزارهای تحلیلی قوی است. اگر ندانید چه چیزی ارزش سرمایه گذاری دارد، پول شما در کمین خطرات پنهان بازار خواهد بود. ما در این مقاله به شما کمک می کنیم تا مثل یک کارآگاه زبردست، معیارهایی را بشناسید که می توانند برندهای ارزشمند را از میان انبوه گزینه های بی ارزش جدا کنند. پس اگر دوست دارید هوشمندانه تر سرمایه گذاری کنید، آماده کشف رازهای این مسیر شوید.

معیار اول: تحلیل دقیق سلامت مالی برند

یکی از اولین معیارهایی که باید به آن توجه کنید، سلامت مالی برند است. مثل این است که بخواهید قبل از خرید یک ماشین دست دوم، موتور آن را بررسی کنید. هیچ کس نمی خواهد پولش را روی شرکتی بگذارد که زیر بار بدهی ها دست و پا می زند.

برای بررسی این معیار، صورت های مالی شرکت را به دقت زیر ذره بین بگیرید. درآمد، سود خالص و جریان نقدی سه شاخص کلیدی هستند که باید به آنها توجه کنید. اگر این اعداد در مسیر صعودی باشند، نشانه خوبی است اما اگر هر سال کمتر و کمتر شوند، زنگ خطر به صدا درمی آید. یکی دیگر از ابزارهای مفید برای تحلیل سلامت مالی برند، نسبت های مالی است. برای مثال نسبت بدهی به دارایی می تواند به شما نشان دهد که آیا شرکت توان پرداخت تعهدات خود را دارد یا نه. توجه به نقدینگی شرکت نیز ضروری است. اگر برند مورد نظر نتواند هزینه های جاری خود را پوشش دهد، احتمال بروز بحران وجود دارد. در نهایت، مقایسه این داده ها با رقبای و استانداردهای صنعت دید بهتری به شما می دهد. فقط به ظاهر برند اعتماد نکنید؛ زیر پوسته جذاب ممکن است مشکلات پنهانی وجود داشته باشد.

معیار دوم: بررسی تیم مدیریتی برند

برندهای بزرگ و موفق فقط به لطف ایده های خوب به جایی نمی رسند. آنها تیم های مدیریتی توانمندی دارند که این ایده ها را به واقعیت تبدیل می کنند. انتخاب برند مناسب برای سرمایه گذاری بدون بررسی تیم مدیریتی شبیه به خرید کشتی بدون کاپیتان است. یکی از مهمترین نکات در این زمینه، تجربه و سابقه کاری اعضای تیم مدیریت است. آیا قبلاً در شرایط مشابه موفق بوده اند؟ آیا تخصص کافی در صنعت مربوطه دارند؟ نکته بعدی بررسی میزان ثبات در تیم مدیریتی است. برندهایی که به طور مداوم مدیران خود را تغییر می دهند، معمولاً

دچار بی ثباتی در تصمیم گیری ها هستند. توانایی مدیران در پیش بینی و مدیریت بحران ها نیز اهمیت زیادی دارد. یک برند خوب باید نشان دهد که در برابر چالش ها انعطاف پذیر و خلاق است. فراموش نکنید که فرهنگ سازمانی نیز توسط تیم مدیریت شکل می گیرد. اگر فرهنگی سالم و سازنده در سازمان حاکم باشد، احتمال موفقیت برند بیشتر می شود.

معیار سوم: تحلیل موقعیت رقابتی برند در بازار

آیا تا حالا به وضعیت رقابتی برندها فکر کرده اید؟ این دقیقاً مثل اوضاع تیم های فوتبال در جدول لیگ است. برندی که بتواند در برابر رقبا خودی نشان دهد، بتانسیل رشد و سودآوری بالایی خواهد داشت.

برای شروع، به سهم بازار برند نگاه کنید. آیا این سهم در حال افزایش است یا کاهش؟ اگر برندی نتواند سهم خود را در بازار حفظ کند، احتمالاً در آینده با مشکلات جدی مواجه خواهد شد. تمایز برند نیز نقش کلیدی دارد. آیا محصول یا خدمات آن چیزی منحصر به فرد ارائه می دهد؟ اگر برندی بتواند ارزش منحصر به فردی به مشتریان خود ارائه دهد، احتمال جذب و حفظ مشتریان بیشتر خواهد بود.

نگاهی به استراتژی قیمت گذاری برند نیز بیندازید. اگر برندی بتواند قیمتی رقابتی ارائه دهد و در عین حال کیفیت بالایی داشته باشد، جایگاه قوی تری در بازار خواهد داشت. همچنین تحلیل رقبا فراموش نشود. بررسی عملکرد و استراتژی های رقبا به شما کمک می کند

یکی از عوامل مهم دیگر در این زمینه، توانایی برند در شناسایی و بهره برداری از فرصت های جدید بازار است. برندهایی که در صنایع در حال تحول، زودتر از رقبا وارد عمل می شوند، معمولاً پیشگام باقی می مانند. همچنین نگاهی به استراتژی های توسعه برند بیندازید. آیا این برند به دنبال گسترش عمودی یا افقی است؟ آیا به شراکت های استراتژیک روی آورده است؟ پاسخ به این سوالات می تواند تصویری دقیق تر از آینده برند به شما بدهد.

در نهایت، بررسی سوابق اجرای این استراتژی ها اهمیت دارد. اگر برندی نتوانسته باشد پروژه های توسعه خود را به موقع و با موفقیت اجرا کند، احتمالاً گزینه ای مناسب برای سرمایه گذاری خواهد بود.



موقعیت واقعی برند مورد نظر را بهتر ارزیابی کنید.

معیار چهارم: ارزیابی استراتژی های بازاریابی و برندینگ

استراتژی های بازاریابی و برندینگ مثل نقشه راهی هستند که برندها را به سمت موفقیت هدایت می کنند. بدون یک برنامه قوی در این زمینه، حتی بهترین محصولات نیز در بازار گم می شوند. یکی از اولین مواردی که باید بررسی کنید، کانال های بازاریابی مورد استفاده برند است. آیا برند مورد نظر از رسانه های دیجیتال به خوبی بهره می برد؟ آیا حضور فعالی در شبکه های اجتماعی دارد؟

کیفیت محتوا و پیام های برند نیز اهمیت دارد. اگر برندی بتواند پیام هایی خلاقانه و تاثیرگذار ارائه دهد، احتمال جذب مشتریان بیشتر خواهد بود. تعامل با مشتریان نیز یکی دیگر از نشانه های استراتژی بازاریابی موفق است. برندی که به نظرات و بازخوردهای مشتریان گوش می دهد، نشان می دهد که به بهبود مستمر اهمیت می دهد.

در نهایت، بررسی کمپین های گذشته برند می تواند دید بهتری به شما بدهد. اگر این کمپین ها تاثیر مثبتی داشته باشند، احتمال موفقیت برند در آینده نیز افزایش می یابد.

معیار پنجم: تحلیل روند رشد و استراتژی های توسعه برند

یکی از مهمترین معیارها برای شناسایی برندهای مناسب سرمایه گذاری، بررسی روند رشد و استراتژی های توسعه آنهاست. رشد یک برند، اگر به صورت پایدار و قابل پیش بینی باشد، نشان دهنده توانایی آن در مقابله با چالش های بازار است. اما چگونه می توان این روند را تحلیل کرد؟ به شاخص هایی مثل نرخ رشد سالانه درآمد، تعداد محصولات یا خدمات جدید و میزان گسترش جغرافیایی برند توجه کنید. برندی که سال به سال حوزه فعالیت خود را گسترش می دهد، احتمالاً در مسیر درستی حرکت می کند. البته توجه داشته باشید که رشد سریع بدون مدیریت مناسب می تواند به مشکلات جدی منجر شود.

بررسی نظرات و بازخوردهای مشتریان در شبکه های اجتماعی، پلتفرم های بررسی آنلاین و حتی سایت رسمی برند، اطلاعات بسیار ارزشمندی در اختیار شما می گذارد. اگر تعداد زیادی از مشتریان از کیفیت خدمات یا محصولات برند شکایت دارند، بهتر است به دنبال گزینه های دیگر باشید. میزان بازگشت مشتریان نیز یکی دیگر از شاخص های مهم است. برندی که نتوانسته مشتریان خود را به خرید مجدد ترغیب کند، احتمالاً ارزش سرمایه گذاری بالایی دارد.

توجه به برنامه های وفاداری مشتری و خدمات پس از فروش نیز ضروری است. اگر برندی به این بخش ها توجه ویژه ای داشته باشد، نشان می دهد که برای حفظ رابطه با مشتریان خود ارزش قائل است.

بی شک تحلیل نحوه پاسخگویی برند به شکایات و انتقادات مشتریان نیز اهمیت زیادی دارد. برندی که به جای نادیده گرفتن مشکلات، به دنبال حل آنهاست، معمولاً پایدارتر و قابل اعتمادتر خواهد بود.

معیار هشتم: تحلیل تأثیرات اجتماعی و مسئولیت پذیری اجتماعی

امروزه مصرف کنندگان و سرمایه گذاران به برندهایی تمایل دارند که به مسئولیت های اجتماعی خود پایبند باشند. برندهایی که تنها به سودآوری خود فکر می کنند، در بلندمدت نمی توانند اعتماد بازار را به دست آورند.

برای تحلیل این معیار، ابتدا به برنامه های مسئولیت اجتماعی برند نگاهی بیندازید. آیا آنها در پروژه های محیط زیستی، خیریه ها یا طرح های آموزشی مشارکت دارند؟ نحوه برخورد برند با مسائل اخلاقی نیز اهمیت دارد. آیا در زنجیره تامین خود به حقوق کارگران احترام می گذارد؟ آیا به شفافیت در عملکرد خود متعهد است؟

بررسی گواهینامه ها و جوایز مرتبط با مسئولیت اجتماعی نیز می تواند به شما در ارزیابی این معیار کمک کند. برندی که به خاطر فعالیت های اجتماعی خود شناخته شده باشد، احتمالاً در آینده نیز جایگاه خوبی خواهد داشت. همچنین توجه به دیدگاه مصرف کنندگان نسبت به این فعالیت ها اهمیت دارد. اگر مشتریان به خاطر فعالیت های مثبت برند احساس نزدیکی بیشتری به آن داشته باشند، احتمال رشد آن افزایش می یابد. مسئولیت پذیری اجتماعی می تواند به عنوان یک مزیت رقابتی برای برند عمل کند. برندی که ارزش های انسانی و محیط زیستی را جدی بگیرد، احتمالاً در دنیای پیچیده امروز موفق تر خواهد بود.

سخن پایانی

یافتن برندی که مناسب سرمایه گذاری مطمئن باشد، اتفاق ساده ای نیست. این نیازمند تحقیق و بررسی های مداوم است. بی شک خیلی از سرمایه گذارها یا کسانی که تجربه اول شان در بازار سرمایه را پشت سر می گذارند، حوصله یا حتی تخصص ارزیابی برندها را هم را ندارند. درست به همین خاطر ما در این مقاله سعی کردیم برخی از مهمترین نکات در رابطه با ارزیابی برندها را با شما در میان بگذاریم. حالا شما آمادگی لازم برای فعالیت در این حوزه و درخشش بی عیب و نقص را دارید.

یادتان باشد، ارزیابی برندها همیشه راهکارهای تازه ای هم دارد. ما فعلاً تکنیک تازه ای برای تان نداریم، اما خیلی زود دوباره با دست پر کنار تان خواهیم بود. پس در این مدت کمی تکنیک های این مقاله را امتحان کنید تا دست تان گرم شود. هرچا هم مشکل یا سوالی داشتید، کارشناس های ما در روزنامه فرصت امروز همیشه آماده کمک به شما و بردتان هستند. پس تعارف را کنار گذاشته و با ما در ارتباط باشید.

منابع:

how-do-۲/https://www.linkedin.com/advice-you-determine-which-brands-invest-skills-brand-development

مدیر کل منابع طبیعی و آبخیزداری استان مرکزی:

۶ هزار اصله نهال در مساحت ۲۰ هکتار از شهر جدید امیرکبیر غرس شد



شهرداری ها در اختیار عموم مردم قرار دهد. وی ادامه داد: نهال هایی که از سوی منابع طبیعی در اختیار مردم قرار می گیرد، غیرمثمر است. برای توسعه فضای سبز پیش بینی شده است. استاندار مرکزی بیان داشت: افزایش سطح فضای سبز یکی از راهکارهای مقابله با آلودگی هواست و سایر راهکارها هم مورد توجه است. زنده و کیلی افزود: مطالعات دالان سبز در منطقه چقیلی اراک با هدف افزایش پوشش گیاهی انجام شده است.

وی ادامه داد: امروزه با وجود نهال های گلدانی، کشت درخت فقط منحصر به زمان خاصی نیست و به صورت مستمر درختکاری ادامه دارد. استاندار مرکزی خاطر نشان کرد: صنایع موظف هستند برای جلوگیری و کاهش آلودگی هوا نسبت به توسعه فضای سبز اقدام کنند. مدیرعامل شرکت عمران شهر جدید امیرکبیر گفت: سرانه فضای سبز در شهر جدید امیرکبیر ۸ هکتار بود که امروز در مساحت ۲۰ هکتار از شهر جدید امیرکبیر به فضای سبز اختصاص یافت. سعید میرزایی افزود: مجموعاً سرانه فضای سبز شهر جدید امیرکبیر به ۳۰ هکتار رسیده است. بنا داریم تبه قاش سبز را به فضای سبز تبدیل کنیم تا گامی در جهت کاهش آلودگی هوای شهر اراک برداشته شود.

اودگهای این شهر ایجاد فضای سبز است، در این راستا کاشت یکمیلیارد اصله نهال در سطح کشور از سال ۱۴۰۲ آغاز شد که سهم استان مرکزی ۱۶ میلیون اصله نهال طی چهار سال است که با تلاش های صورت گرفته سهم استان تاکنون محقق شده است. استاندار مرکزی درحاشیه این مراسم گفت: منابع طبیعی استان با ایجاد نهالستان، تلاش دارد، فضای سبز را توسعه دهد که موفقیت های زیادی نیز تاکنون به دست آورده است. مهدی زنده و کیلی افزود: منابع طبیعی آمادگی دارد نهال های تولیدی را با همکاری



اراک - فرناز امیدی: در اولین روز از هفته درختکاری ۶ هزار اصله نهال در مساحت ۲۰ هکتار زمین با حضور استاندار، مدیرکل منابع طبیعی و آبخیزداری استان مرکزی و جمعی از مسئولان استان در شهر جدید امیرکبیر کاشته شد.

مدیرکل منابع طبیعی و آبخیزداری استان مرکزی در آیین روز درختکاری در شهر جدید امیرکبیر گفت: هفته منابع طبیعی هر ساله از ۱۵ تا ۲۱ اسفند ماه نامگذاری شده که شعار اسفند هفته منابع طبیعی «وفاق و همدلی برای حفظ منابع طبیعی» است و در نخستین روز منابع طبیعی شش هزار نهال در مساحت ۲۰ هکتار از شهر جدید امیرکبیر غرس شد.

عبدالحسین محمدی افزود: ۸۶ برنامه در سطح استان مرکزی در هفته منابع طبیعی پیش بینی شده است که ۶۴ هزار اصله نهال و بذر در مساحت ۱۱۰ هکتار زمین غرس می شود. وی در ادامه بیان داشت: چهار میلیون اصله نهال کشت در هفته منابع طبیعی در اختیار مردم قرار می گیرد که از این تعداد تاکنون ۲۰۰ هزار اصله نهال فضای سبز، زراعی و چوبی توزیع و کشت شده است. مدیرکل منابع طبیعی و آبخیزداری استان مرکزی تصریح کرد: یکی از نیاز شهرهای صنعتی و کاهش

قابل توجه اهالی محترم روستای بیدگنه

روستای بیدگنه

تعرفه عوارض محلی دهیاری روستای بیدگنه سال ۱۴۰۴

در اجرای تبصره (۱) ماده (۲) قانون در آمد پایدار هزینه شهرداری ها و دهیاری های کشور مصوب ۱۴۰۱/۰۴/۰۱ مجلس شورای اسلامی، و با عنایت به دستورالعمل اجرایی عناوین عوارض و بهای خدمات و تریببات وصول آنها به شماره ۲۰۲۸۶۵ مورخ ۱۴۰۲/۰۹/۲۸ ابلاغی وزیر محترم کشور تعرفه عوارض و بهای خدمات ملاک عمل در روستای بیدگنه تابعه ی بخش مرکزی از شهرستان ملارد در مورخ ۱۴۰۳/۱۱/۰۱ به شرح زیر مورد تصویب اعضای شورای اسلامی بخش قرار گرفت.

وصول این عوارض بر اساس « ماده ۴ آیین نامه اجرایی نحوه وضع و وصول عوارض توسط شوراهای اسلامی شهر، بخش » بر عهده دهیاری خواهد بود.

دهیاری با توجه به ماده ۳۶ « آیین نامه اجرایی تشکیلات، انتخابات داخلی و امور مالی شوراهای اسلامی روستا و نحوه انتخاب دهیار» مصوب ۱۳۷۸/۰۱/۱۱ موظف است عوارض دریافتی را بر طبق برنامه هایی که قبلا به صورت بودجه سالانه در قالب طرح های عمرانی و یا مصارف جاری به تصویب شورای اسلامی روستا می رساند با رعایت قوانین و مقررات مربوطه هزینه نماید.

اهالی محترم و علاقمندان برای روئت عین تعرفه عوارض موصوف می توانند در اوقات اداری به دهیاری بیدگنه مراجعه و تعرفه مورد نظر را مطالعه نمایند.

روابط عمومی دهیاری بیدگنه

